خبر

توکلی‌زاده: تشییع پیکر رهبر شهید در ۳ شهر تهران قم و مشهد قطعی است

معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران گفت: «تشییع پیکر رهبر شهید، تشییع متفاوتی خواهد بود. ما بزرگ‌ترین رهبر استکبارستیزی دنیا را تشییع می‌کنیم. بزرگ‌ترین فرمانده مبارزه با آمریکا و اسرائیل، یک مرجع تقلید بزرگ و رهبر انقلاب اسلامی را تشییع می‌کنیم. ما شاهد بزرگ‌ترین اجتماع شیعه و حتی فراتر از آن، اجتماع مسلمین خواهیم بود. همین اکنون درخواست‌ها برای حضور در این مراسم از سوی جریان‌های مختلف ادامه دارد». او افزود: «رئیس قوه قضائیه عراق اعلام کرده که در ۴۰ روز اول پس از شهادت حضرت آقا، هیچ ازدواج شیعی در عراق ثبت نشده و تشییع‌های نمادینی در شهرهای عراق برای حضرت آقا برگزار شده است. این نشان می‌دهد ما با فضایی در تشییع حضرت آقا مواجه خواهیم شد که تاکنون تجربه نکرده‌ایم؛ همین فضا را در کشمیر، پاکستان، هندوستان، افغانستان، یمن و بسیاری از بلاد اسلامی تجربه می‌کنیم». معاون شهرداری تهران در ادامه بیان کرد: «درباره نحوه تدارک این مراسم بحث‌های مختلفی شده است. تاکنون آنچه جمع‌بندی شده، این است که حداقل سه مراسم تشییع و بدرقه را در کشور تجربه خواهیم کرد و بحث عراق نیز فعلا مطرح است تا تصمیم‌گیری شود. تشییع پیکر رهبر شهید در تهران، قم و مشهد قطعی خواهد بود. آنچه تاکنون پیش رفته، در این سه شهر قطعی است و قطعا برنامه اصلی نیز در تهران است. ما در حال تدارک برای جمعیتی بیش از ۱۵ تا ۲۰ میلیون نفر در پایتخت هستیم و خود را آماده می‌کنیم برای استقبال از کسانی که می‌خواهند در این رستاخیز بزرگ شرکت کنند. برای مدیریت این جمعیت، مسیرهای مختلفی مورد گفت‌وگو و بررسی قرار گرفته و مزایا و معایب آنها تدارک دیده شده است تا بتوانیم این مراسم را با کمترین نقص برگزار کنیم». وی همچنین گفت: «در چند نوبت گفت‌وگوهایی که انجام شده و جلسات مختلفی که با اقشار مختلف، ازجمله جامعه هنری، جامعه فیلم‌سازان، جامعه شعرا و جامعه ادیان کشور برگزار شده، هر یک با دیدگاه خود، خود را برای این رستاخیز بزرگ آماده می‌کنند. این فضای بعثت در مراسم تشییع حضرت آقا به اوج خود خواهد رسید».

گزارش

مذاکرات پایان جنگ و تمدید آتش‌بس همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد

تمایل ترامپ در برابر صبر راهبردی تهران

شرق: در حالی که برخی رسانه‌های غربی از عادی‌بودن روند گفت‌وگوهای غیرمستقیم میان تهران و واشنگتن خبر می‌دهند، یک منبع آگاه به خبرگزاری فارس گفته که تبادل پیام بین دو طرف دست‌کم چند روز است متوقف شده است.

به گزارش فارس، در حالی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، دوشنبه‌شب مدعی شده بود گفت‌وگوها با ایران با سرعت بالایی در جریان است، یک منبع مطلع تصریح کرده که آخرین پیام جمهوری اسلامی ایران به واشنگتن، پیامی آشکار در مورد لبنان بود که بازتاب گسترده بین‌المللی یافت. به گفته این منبع، آنچه برخی «دستیابی به یادداشت تفاهم اولیه» می‌خوانند، در حال حاضر با توقف مواجه شده است و هیچ تبادل پیام فعالی در جریان نیست. این تحول در حالی رخ می‌دهد که تحلیلگران و مقامات پیشین آمریکایی از تمایل شدید ترامپ برای دستیابی به توافق با ایران سخن می‌گویند. جان بولتون، مشاور امنیت ملی اسبق آمریکا که اکنون از منتقدان ترامپ محسوب می‌شود، با اشاره به تماس تلفنی اخیر ترامپ و بنیامین نتانیاهو برای توقف حملات به بیروت، این اقدام را نشانه‌ای از اشتیاق بالای رئیس‌جمهور آمریکا برای توافق با ایران ارزیابی کرده است. بولتون معتقد است ترامپ در پی کاهش قیمت نفت است و ایران با آگاهی از این موضوع، صبر بیشتری برای کسب امتیاز در مذاکرات دارد. به گفته این مشاور سابق، ایران بر این باور است که می‌تواند در مسیر دستیابی به یک توافق مطلوب، زمان بیشتری نسبت به ترامپ ایستادگی کند. این تحلیل نشان‌دهنده تقابل «صبر راهبردی» تهران در برابر «عجله تاکتیکی» واشنگتن است.در همین حال، یک منبع آگاه در دولت ترکیه در گفت‌وگو با خبرگزاری ریانووستی اظهار کرده هنوز برای صحبت از بن‌بست در مذاکرات آمریکا و ایران زود است. این منبع تأکید کرده که تماس‌ها ادامه دارد و امکان یافتن راه‌حل‌های مصالحه‌آمیز همچنان وجود دارد. بااین‌حال، او افزوده که اقدامات اسرائیل و تنش‌های مداوم در منطقه، خطرات بیشتری را برای روند مذاکرات ایجاد می‌کند، هرچند طرفین هنوز فرصت ادامه گفت‌وگو را از دست نداده‌اند.یکی از مهم‌ترین عواملی که بر روند مذاکرات سایه افکنده، رفتارهای خصمانه رژیم اسرائیل و تشدید تنش‌ها در منطقه است. به گزارش آکسیوس، ترامپ در تماس تلفنی روز دوشنبه، بعد از تهدید ایران برای حمله به شمال سرزمین‌های اشغالی در صورت حمله به ضاحیه، از بنیامین نتانیاهو به‌شدت عصبانی شده و از تلفات غیرنظامیان و تهدید اسرائیل به حمله به بیروت خشمگین بوده است. طبق ادعای منابع آگاه، ترامپ به نتانیاهو هشدار داده که هرگونه تشدید بیشتر تنش‌ها، انزوای بین‌المللی اسرائیل را عمیق‌تر کرده و مذاکرات با ایران را به خطر خواهد انداخت. برخی گزارش‌ها مدعی شده‌اند ترامپ به نتانیاهو گفته است: «تو دیوانه شده‌ای. اگر من نبودم الان در زندان بودی. من دارم نجاتت می‌دهم. الان همه از تو متنفرند. به خاطر این اتفاقات، همه از اسرائیل متنفر شده‌اند». یک منبع دیگر نیز مدعی شده ترامپ فریاد زده است: «داری چه غلطی می‌کنی؟» و نتانیاهو را متهم کرده که تلاش‌های دیپلماتیک را تضعیف می‌کند.یکی از مقام‌های آمریکایی این تماس را «یکی از بدترین تماس‌ها میان این دو رهبر از زمان بازگشت ترامپ به کاخ سفید» توصیف کرده است. این تنش آشکار در بالاترین سطح روابط آمریکا و اسرائیل، نشان‌دهنده عمق اختلافات بر سر نحوه مواجهه با تحولات منطقه و به‌ویژه مسئله ایران است.در مجموع، آنچه از شواهد و اظهارات منابع آگاه برمی‌آید، حاکی از آن است که اگرچه ترامپ شخصا به دنبال دستیابی به توافق با ایران است، اما توقف فعلی تبادل پیام از سوی تهران، همراه با فشارهای اسرائیل و تنش‌های منطقه‌ای، مسیر دیپلماسی را با پیچیدگی‌های جدی مواجه کرده است. جمهوری اسلامی ایران با درک دقیق از فضای مذاکرات و نیازهای طرف مقابل، بر رویکرد صبورانه خود برای کسب تضمین‌های واقعی و امتیازات ملموس اصرار دارد.

راز طرح مجدد رژیم حقوقی دریای خزر در میانه جنگ و مذاکره با آمریکا در گفت‌وگو با الهه کولایی:

معمای خزر در روزهای جنگ

کولایی: دو جنگ ایران و اوکراین، تحولات قفقاز و رقابت قدرت‌ها، مسئله خزر را دوباره به اولویت تبدیل کرده است

عبدالرحمن فتح‌الهی: شاید در نگاه نخست این پرسش مطرح شود که در میانه جنگ، آتش‌بس شکننده، مذاکرات پیچیده و انبوهی از مسائل فوری سیاست خارجی، پرداختن به رژیم حقوقی دریای خزر تا چه اندازه برای رسانه‌ها و افکار عمومی اولویت دارد؟ اما هم‌زمان می‌توان این سؤال را مهندسی معکوس کرد و آن را از زاویه دیگری پرسید؛ چرا درست در چنین مقطعی که سایه جنگ و مذاکره بر همه چیز سنگینی می‌کند، کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی خواستار دریافت گزارشی درباره روند طی‌شده کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر شده است؟ آیا در پس پرده خبری درباره این رژیم حقوقی و لایحه مربوط به آن در دولت است؟ ضمنا نَباید فراموش کرد که توجه افکار عمومی و رسانه‌ها به جنگ و مذاکرات، چیزی از اهمیت معادلات بلندمدت ژئوپلیتیکی و حقوقی کشور نمی‌کاهد و برعکس، تجربه نشان داده است بسیاری از تحولات راهبردی دقیقا در بزنگاه‌های حساس و در پسِ هیاهوی بحران‌های بزرگ شکل می‌گیرند؛ درست جایی که توجه‌ها به سمت دیگری معطوف شده است. از همین منظر، ارائه گزارش کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه، در نشست پنجم خرداد کمیسیون امنیت ملی مجلس را نمی‌توان صرفا یک اقدام اداری یا روال معمول پارلمانی تلقی کرد؛ این اتفاق دست‌کم نشان می‌دهد که موضوع رژیم حقوقی دریای خزر همچنان در زمره پرونده‌های مهم و فعال سیاست خارجی ایران قرار دارد. در چنین شرایطی، طرح پرسش‌ها و حساسیت‌ها درباره لایحه دولت در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر و اصطلاحا پخت‌وپزهای آن، نه نشانه قضاوت زودهنگام، بلکه تلاشی برای فهم بهتر ابعاد پرونده‌ای است که با منافع راهبردی، حقوق تاریخی، جایگاه ژئوپلیتیکی ایران و حتی امنیت ملی و تمامیت ارضی کشور، آن‌هم در یکی از مهم‌ترین حوزه‌های پیرامونی کشور، گره خورده است. از این‌رو چرایی طرح مجدد رژیم حقوقی خزر در میانه جنگ و مذاکره و نیز تأثیر تحولات جاری بر این پرونده، محور گفت‌وگویی با الهه کولایی، نماینده مجلس ششم، استاد دانشگاه و تحلیلگر ارشد حوزه روسیه و اوراسیاست که تألیفات جدی و عمیقی درباره رژیم حقوقی دریای خزر دارد.

•••

وقتی پنجم خرداد خبر آمد که کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه، در نشست کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، در جمع نمایندگان ملت گزارشی از روند طی‌شده درباره کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر در سطوح داخلی و خارجی و در چارچوب تعاملات میان کشورهای عضو ارائه داده است، این سؤال برایم شکل گرفت که چرا الان؟ خودتان نماینده مجلس بوده‌اید، این حضور در کمیسیون امنیت ملی و ارائه گزارش فارغ از روند روتین سیاسی چه معنایی می‌دهد؟ موضوع طبیعی است یا در میانه این همه معادلات برزمین‌مانده جنگ و آتش‌بس جا دارد نگران لایحه دولت درباره رژیم حقوقی دریای خزر هم بود؟

برای پاسخ به این پرسش ابتدا باید گفت موضوع رژیم حقوقی دریای خزر و به‌طور مشخص پیوستن جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سال ۱۳۹۷ (۲۰۱۸) در شهر آکتائوی قزاقستان، برای اجرائی‌شدن به همکاری و هماهنگی کشورهای ساحلی نیاز دارد. همان‌گونه که می‌دانید، در زمینه بهره‌برداری از منابع دریای خزر و نیز استفاده‌های گوناگونی که کشورهای ساحلی می‌توانند از این پهنه آبی داشته باشند، در دهه ۱۹۹۰ اختلاف‌نظرهای فراوان وجود داشت. این اختلاف‌ها گاه به چالش‌های جدی میان کشورهای ساحلی انجامید، اما به هر حال این کشورها تلاش کردند بر مبنای منافع مشترک، به توافق‌هایی دست یابند. نتیجه سال‌ها مذاکره و گفت‌وگو، کنوانسیون آکتائو بود که جمهوری اسلامی ایران نیز به آن پیوست؛ هرچند مجلس شورای اسلامی فرایند نهایی‌سازی آن را به انجام نرساند.

اما موضوعی که به آن اشاره کردید که چرا الان باید موضوع رژیم حقوقی دریای خزر در میانه معادلات جنگ و مذاکره با آمریکا دوباره طرح شود، پاسخش اتفاقا به خود اهمیت معادلات جاری بازمی‌گردد. یعنی طرح دوباره این مسئله در شرایط کنونی، ارتباط مستقیمی با تحولات جاری در منطقه دارد؛ به‌ویژه در ارتباط با مرزهای شمالی کشور، ملاحظات روسیه در مورد حضور آمریکا و اسرائیل به‌ویژه در قفقاز جنوبی و همچنین تلاش‌هایی که ایالات متحده برای ایجاد مسیری موسوم به «مسیر ترامپ» یا «راه ترامپ» دنبال می‌کند. افزون بر این، تحولات در ارمنستان و نیز پیامدهای ناشی از جنگ اوکراین از سال ۲۰۲۲ نیز بر اهمیت این موضوع افزوده‌اند. در واقع، مجموعه این تحولات و به‌ویژه رقابت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، مسئله رژیم حقوقی دریای خزر را به موضوعی مهم و درخور توجه تبدیل کرده است. ضمنا موضوع جنگ اوکراین و دو جنگ اخیر علیه ایران نیز معادلات دیگری به دنبال داشته است. اهمیت همه این معادلات از آن جهت است که می‌تواند چارچوبی برای همکاری میان کشورهای ساحلی فراهم آورد.

چنین همکاری‌هایی در شرایط کنونی که در مقایسه با سال ۲۰۱۸ و دوران پیش از جنگ اوکراین دستخوش تغییر گسترده‌ای شده، از اهمیت دوچندان برخوردار است. دستیابی کشورهای ساحلی به چارچوب‌های مورد توافق و قابل قبولی که بتواند منافع تمامی طرف‌ها را تأمین کند، ضرورتی اساسی به شمار می‌رود. در این میان، دغدغه‌های روسیه و همچنین نگرانی‌های جمهوری اسلامی ایران در پیرامون دریای خزر، به‌ویژه در ارتباط با تحولات قفقاز جنوبی، شایان توجه است. از این‌رو، طرح این موضوع نشان می‌دهد که منطقه دریای خزر با وجود آنکه در دهه‌های گذشته جایگاه برجسته‌ای در اولویت‌ها و سیاست‌های کشور ما نداشته است، همچنان منطقه‌ای مهم و اثرگذار به شمار می‌آید و تحولات آن نباید از توجه و بررسی تصمیم‌گیران داخلی دور بماند. این روند، به‌ویژه در شرایطی که کشور در پی یافتن مسیرهای جدید و جایگزین برای کاهش آثار تحریم‌ها و محدودیت‌های ناشی از محاصره دریایی در خلیج فارس است، کاملا طبیعی و قابل انتظار به نظر می‌رسد. در چنین فضایی، مسئله رژیم حقوقی دریای خزر و همکاری‌های مربوط با آن، بیش از گذشته اهمیت پیدا می‌کند.

به مجموعه‌ای از بحران‌ها و مناقشه‌های قبل و حال حاضر اشاره داشتید که یقینا تأثیرگذار هستند. در همین راستا اتفاقا شما در کتاب «دریای خزر؛ چالش‌ها و چشم‌اندازها»، از «بحران‌های منطقه‌ای»، «بازی بزرگ در منطقه خزر» و «نظامی‌سازی حوزه خزر» به‌عنوان سه متغیر اثرگذار در کنار دو مؤلفه دیگر مشتمل بر «مسائل رژیم حقوقی دریای خزر» و «تهدیدهای زیست‌محیطی دریای خزر» یاد کرده‌اید. اکنون که منطقه با دو تحول مهم، یعنی تداوم جنگ اوکراین و نیز جنگ مستقیم اخیر میان ایران و آمریکا مواجه شده است و هم‌زمان نشانه‌هایی از تلاش قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای افزایش حضور و نفوذ در قفقاز جنوبی دیده می‌شود، تا چه اندازه می‌توان نگران بود که این تحولات بر رژیم حقوقی دریای خزر سایه بیفکند؟ مشخصا می‌خواهم به ورود مستقیم و جدی دولت ترامپ به معادلات قفقاز جنوبی در قالب امضای توافق‌نامه میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان در هجدهم مرداد سال گذشته در کاخ سفید و طرح «مسیر ترامپ» به‌عنوان جایگزین زنگزور و نیز سفر بهمن‌ماه سال گذشته جی دی ونس، معاون اول ترامپ، به ارمنستان و آذربایجان و توافقات واشینگتن با باکو و ایروان در آن سفر اشاره کنم. آیا ممکن است معادلات حقوقی و امنیتی خزر در نتیجه این تحولات وارد مرحله‌ای تازه شود؟

از همان زمانی که موضوع رژیم حقوقی دریای خزر مطرح شد و همان‌گونه که نوشتم، از قبل اختلاف‌نظرهایی میان کشورهای ساحلی شکل گرفت و تفسیرهای متفاوتی درباره ماهیت حقوقی این پهنه آبی وجود داشت. برخی معتقد بودند خزر یک «دریا» است و باید تابع کنوانسیون حقوق دریاهای ۱۹۸۲ باشد، در حالی که برخی دیگر آن را «دریاچه‌ای» می‌دانستند که باید میان کشورهای ساحلی تقسیم شود. بنابراین الگوهای گوناگون تقسیم و بهره‌برداری نیز در همان دهه ۱۹۹۰، یعنی نخستین دهه پس از فروپاشی اتحاد شوروی، مطرح شد. بااین‌حال، از همان زمان روشن بود که رژیم حقوقی دریای خزر تنها یک بحث حقوقی نیست، بلکه تابعی از تحولات ژئوپلیتیکی، موازنه قدرت و معادلات حاکم بر این پهنه آبی است که با تسامح از آن به‌عنوان «دریا» یاد می‌شود. از این‌رو، تحولاتی که در سال‌های پس از آن در کشور ما، در سطح منطقه و نیز در روابط کشورهای ساحلی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای رخ داده است، همه بر این موضوع تأثیرگذار بوده‌اند. به‌ویژه تغییرهای سیاست خارجی آمریکا در قبال مناطق مختلف جهان، از شرق آسیا تا غرب آسیا و تلاش‌هایی که در سال‌های اخیر، به‌خصوص در دوره دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، برای داشتن نقشی فعال، مؤثر و تأثیرگذار در این منطقه در حال شکل‌گیری است، بسیار اهمیت دارد. همچنین مسئله راه‌گذر زنگزور که در پی جنگ سال ۲۰۲۰ میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان مطرح شد، بخشی از معادلات قدرت در منطقه را دستخوش تغییر کرد. این تحولات، همراه با ملاحظات بازیگران منطقه‌ای مانند ترکیه و نیز گسترش نفوذ اسرائیل در منطقه، به‌خوبی نشان می‌دهد که رژیم حقوقی دریای خزر فقط یک موضوع حقوقی نیست. در واقع، رژیم حقوقی این پهنه آبی بازتابی از معادلات ژئوپلیتیکی در حال دگرگونی منطقه است؛ معادلاتی که پس از جنگ دوم جمهوری آذربایجان و ارمنستان، جنگ اوکراین و حتی پیش از آن در پی تحولاتی که در سال ۲۰۱۸ و در پرتو انقلاب مخملی ارمنستان رخ داد، وارد مرحله جدیدی شده است. روشن است که چنین تحولاتی نمی‌تواند بر رژیم حقوقی دریای خزر و نیز بر چگونگی همکاری میان کشورهای ساحلی بی‌تأثیر باشد. اینکه در شرایط کنونی بار دیگر این مسئله مورد توجه مقامات کشور قرار گرفته است، به‌خوبی نشان می‌دهد که تحولات منطقه‌ای در سال‌های اخیر، ضرورت بازنگری در روابط و سازوکارهای همکاری را برجسته کرده است. به‌ویژه با توجه به جنگ‌هایی که در سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ با حملات اسرائیل و آمریکا به جمهوری اسلامی ایران آغاز شد و در شرایطی که همچنان آتش‌بسی شکننده بین تهران و واشنگتن برقرار است، بازتعریف روابط منطقه‌ای و شیوه تنظیم آن اهمیت بیشتری یافته است. در چنین شرایطی، در نظر گرفتن نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای، از یک سو چین و از سوی دیگر آمریکا، اهمیت فراوانی دارد. از این دیدگاه، پیگیری یک سیاست خارجی فعال، واقع‌بینانه و متوازن در منطقه دریای خزر و پیرامون آن، بیش از هر زمان دیگری به ضرورتی راهبردی تبدیل شده است.

شما در همان کتاب «دریای خزر؛ چالش‌ها و چشم‌اندازها» به بحران‌های قره‌باغ، چچن، آبخازیا، اوستیای جنوبی و آجاریا به‌عنوان گره‌های ژئوپلیتیکی پیرامون خزر پرداخته‌اید و در فصل «بازی بزرگ در منطقه خزر» نیز نقش بازیگران فرامنطقه‌ای را مورد بررسی قرار داده‌اید. اکنون با توجه به جنگ اوکراین، تضعیف نسبی تمرکز روسیه بر محیط پیرامونی خود و همچنین پیامدهای جنگ ایران و آمریکا، آیا منطقه خزر در آستانه یک بازآرایی ژئوپلیتیکی قرار گرفته است؟ این تحولات چه تأثیری بر آینده رژیم حقوقی خزر و موازنه قدرت میان کشورهای ساحلی خواهد داشت؟

پس از جنگ سال ۲۰۲۰ میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان و بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغال‌شده جمهوری آذربایجان، معادلات قدرت در منطقه، به‌ویژه با توجه به حمایت ترکیه و اسرائیل از جمهوری آذربایجان، در مسیر تحول جدی قرار گرفت. این در حالی بود که ارمنستان پس از انقلاب مخملی سال ۲۰۱۸، از پیش خود را برای پیگیری نوعی سیاست موازنه‌گرایانه آماده کرده بود. به بیان دیگر، هرچند ارمنستان عضو سازمان پیمان امنیت جمعی به شمار می‌رود که با مدیریت روسیه فعالیت می‌کند، اما ناامیدی این کشور از حمایت‌های روسیه، به‌ویژه در پی شکست‌ها در جنگ‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳، موجب شد در رویکردهای سیاست خارجی خود تجدیدنظر کند. در نتیجه، شاهد تحول تدریجی موازنه قدرت در قفقاز جنوبی هستیم؛ تحولی که به تقویت حضور و نفوذ آمریکا، اسرائیل و ناتو در منطقه انجامیده است. این روند، با توجه به تحولات جاری در جنوب و غرب کشور، فشارهای ژئوپلیتیکی بر کشور را نیز افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، اسرائیل پس از رخدادهای هفتم اکتبر ۲۰۲۳، سیاست منطقه‌ای خود را فعال‌تر کرده و تلاش داشته است از شرایط جدید بیشترین بهره‌برداری را داشته باشد. در چارچوب رویارویی با جمهوری اسلامی ایران، این رژیم از راه توسعه همکاری‌های خود با جمهوری آذربایجان، جایگاه و نفوذ منطقه‌ای خویش را تقویت کرده است. در همین راستا، سیاست‌های ترکیه نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و باید مورد توجه قرار گیرد. در واقع، قفقاز جنوبی، به‌ویژه پس از فروپاشی اتحاد شوروی، مانند دوره‌های تاریخی گذشته، به عرصه‌ای برای رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شده است. با افزایش سطح رقابت‌ها و منازعه‌های قدرت در نظام بین‌الملل، شاهد تشدید این روند هستیم. به‌ویژه رقابت فزاینده میان چین و آمریکا برای کنترل راه‌گذرها، مسیرهای دسترسی و زنجیره‌های تأمین جهانی، موجب شده است مناطقی مانند غرب آسیا، خلیج فارس و قفقاز جنوبی از اهمیت راهبردی بیشتری برخوردار شوند. این مناطق به‌عنوان نقاط اتصال شبکه‌های تجاری و ترانزیتی بین‌المللی، نقشی تعیین‌کننده در معادلات ژئوپلیتیکی کنونی دارند.طرح «کمربند و راه» چین هم موجب شده است آمریکا نیز حضور و فعالیت خود را در این منطقه افزایش دهد. مجموعه این تحولات، حوزه دریای خزر و کشورهای ساحلی آن را با الزام‌ها و مسئولیت‌های جدیدی روبه‌رو کرده است. از این دیدگاه، اجرای تعهدهای ناشی از کنوانسیون آکتائو، توجه بیشتر به تحولات سیاسی و امنیتی منطقه و افزایش سطح هماهنگی و همکاری میان کشورهای ساحلی را ضروری می‌کند. از همین رو، جمهوری اسلامی ایران نیز به‌طور مشخص ضرورت پیگیری سیاستی فعال‌تر در دریای خزر و مناطق پیرامونی آن را بیش از گذشته مورد توجه قرار داده است.

حالا با این ملاحظاتی که گفته شد، روند لایحه دولت پزشکیان درمورد رژیم حقوقی دریایی خزر را چگونه می‌بینید؟ هرچند متن لایحه در دست نیست و گویا در حال چکش‌کاری است.

در مورد لایحه جدید دولت برای رژیم حقوقی دریایی خزر اطلاع ندارم. ولی باید گفت جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۱۸ به کنوانسیون آکتائو پیوسته است. بنابراین روشن نیست آیا بحث بازنگری در این کنوانسیون مطرح شده یا طرح جدیدی در دستور کار قرار گرفته است. در هر صورت، با توجه به اینکه روسیه همچنان یکی از بازیگران اصلی و تأثیرگذار در این منطقه به شمار می‌رود، شرایط این کشور پس از آغاز جنگ اوکراین اهمیت ویژه‌ای یافته است. از آنجا که جنگ اوکراین همچنان در صدر اولویت‌های سیاست خارجی روسیه قرار دارد، تنظیم روابط و ترتیبات منطقه‌ای به‌گونه‌ای که بتواند نیازهای راهبردی این کشور را در مناطق پیرامونی و شرقی تأمین کند، به مسئله‌ای مهم تبدیل شده است. همین موضوع سبب می‌شود تحرک‌های سیاسی و امنیتی اخیر در حوزه دریای خزر و قفقاز جنوبی از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار باشند.

ولی در اعلامیه تفسیری جمهوری اسلامی ایران درباره کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر که در مرداد ۱۳۹۷ از سوی دکتر ظریف منتشر شد، تأکید شده بود موضوع تعیین محدوده بستر و زیربستر همچنان نیازمند توافقات بعدی میان کشورهای ذی‌ربط است. از سوی دیگر دکتر غریب‌آبادی، معاون حقوقی وزارت خارجه در جلسه پنجم خرداد با اعضای کمیسیون امنیت ملی تأکید کرده است دریای خزر بخشی از منافع راهبردی و امنیت ملی ایران به شمار می‌رود. با توجه به تحولات جدید منطقه‌ای و بین‌المللی، آیا اکنون پای موضوع تعیین حدود بستر و زیربستر در میان است و به یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مسائل باقی‌مانده در رژیم حقوقی خزر تبدیل شده است؟ و آیا شرایط جدید می‌تواند بر روند مذاکرات آتی در این زمینه اثرگذار باشد؟

در این زمینه اطلاعات دقیقی در اختیار ندارم و در نتیجه نمی‌توانم قضاوت یا ارزیابی قطعی ارائه کنم. با این حال آنچه روشن به نظر می‌رسد این است که تا به اکنون دو جنگ علیه ایران شکل گرفته است و همه چیز در یک فضای تعلیق شکننده قرار دارد که آثار منطقه‌ای خود را دارد. لذا موقعیت جمهوری اسلامی ایران در محیط بین‌المللی و منطقه‌ای، در شرایطی که با فشارهای سیاسی و نظامی روبه‌رو باشد با محدودیت‌ها و چالش‌های بیشتری روبه‌رو خواهد شد. همان‌گونه که پیش‌تر نیز دیده شده است، هرگاه جمهوری اسلامی ایران زیر فشارهای گسترده بین‌المللی قرار گرفته، آثار آن در محیط منطقه‌ای نیز نمایان شده است. برای نمونه، در دوره ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد و هم‌زمان با اعمال تحریم‌های گسترده بین‌المللی، شرایطی پدید آمد که به تقویت موقعیت منطقه‌ای ایران منجر نشد. تداوم یا بازگشت چنین فشارهایی نیز نمی‌تواند به بهبود جایگاه کشور در محیط پیرامونی کمک کند، بلکه زمینه را برای افزایش نفوذ و قدرت مانور رقبای منطقه‌ای، صرف‌نظر از هویت و سرشت آنها، فراهم می‌کند. از سوی دیگر، حوزه دریای خزر عرصه‌ای برای تعریف منافع و دستیابی به فرصت‌هایی است که بخشی از آنها سرشت مشترک دارند. بخشی دیگر در چارچوب منافع اختصاصی و انحصاری کشورهای ساحلی تعریف می‌شوند. از این رو، در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی، در منطقه و به‌ویژه در رویارویی با آمریکا با فشار بیشتری روبه‌رو شود، روشن است که این کشور در این حوزه نیز شرایط مطلوبی نخواهد داشت. به نظر می‌رسد آنچه در این میان همچنان نقش تعیین‌کننده دارد، ملاحظات و منافع راهبردی روسیه است. سیاست‌هایی که این کشور در حوزه پیرامونی خود دنبال می‌کند، در بسیاری از موارد جهت‌دهنده تحولات منطقه‌ای بوده است. برای نمونه، در مورد راه‌گذر بین‌المللی شمال-جنوب دیدیم که با وجود امضای قرارداد آن در سال ۲۰۰۰، تا پیش از جنگ اوکراین تلاش جدی و مؤثری برای اجرایی‌شدن کامل آن صورت نگرفت. فقط زمانی که روسیه به گسترش ارتباطات شرقی و دسترسی به مسیرهای جایگزین برای تجارت و ترانزیت نیاز پیدا کرد، شاهد افزایش تحرک‌ها و تقویت همکاری‌ها در این زمینه بودیم. در موضوع دریای خزر نیز به نظر می‌رسد ملاحظات راهبردی و منافع روسیه همچنان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار و اصلی‌ترین محرک تحولاتی باشد که در حال شکل‌گیری است یا در آینده شکل خواهد گرفت. از این دیدگاه، درک دقیق اولویت‌های روسیه و شیوه تأثیرگذاری آنها بر معادلات منطقه‌ای، برای تحلیل روندهای آینده در حوزه دریای خزر و همکاری‌های کشورهای ساحلی اهمیت اساسی دارد.

تا اینجا بر معادلات قفقاز و خصوصا قفقاز جنوبی تمرکز شد. اما معادلات شرق خزر هم به سود ما نیست؛ یعنی در آسیای میانه هم اوضاع مانند قفقاز تغییر جدی کرده است. شما در یکی از مقاله‌های کتاب «جستارهایی پیرامون مسائل دریای خزر» به بررسی ژئوپلیتیک دریای خزر ورود کرده‌اید و بر نقش پنج کشور ساحلی یعنی ایران، روسیه، جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان تأکید داشته‌اید. اکنون در سایه جنگ اوکراین، افزایش رقابت‌های انرژی، تلاش اروپا برای کاهش وابستگی به روسیه و نیز پیامدهای جنگ اخیر ایران و آمریکا، آیا خزر بیش از گذشته به عرصه رقابت‌های ژئوپلیتیکی تبدیل شده است یا همچنان منطق همکاری و موازنه میان کشورهای ساحلی دست بالا را دارد؟ فراموش نکنیم که درست در فروردین ۱۴۰۲ سفارت جمهوری آذربایجان در تل‌آویو افتتاح شد و دقیقا در همان بازه (فروردین ۱۴۰۲) بود که اسرائیل در ۲۵کیلومتری ایران، سفارت خود را در عشق‌آباد تأسیس کرده است. همچنین باید متذکر شد آبان‌ماه سال گذشته قزاقستان به پیمان ابراهیم پیوست. پس جای پای اسرائیل و آمریکا در آسیای میانه هم پررنگ‌تر از هر زمان دیگری شده است. این برای ما و رژیم حقوقی دریای خزر چه معنایی دارد؟

در مجموع، جمهوری‌های برآمده از فروپاشی اتحاد شوروی، در شرق و غرب دریای خزر، در سال‌های اخیر روابط خود را با اسرائیل گسترش داده و در چارچوب منافع متقابل، سازوکارهایی برای همکاری با این کشور ایجاد کرده‌اند. این روابط بیشتر در راستای اهداف و منافع ملی و نیز سیاست‌هایی است که اسرائیل در این مناطق دنبال می‌کند. در نتیجه، در شرق و غرب دریای خزر، زمینه‌هایی برای همکاری میان این کشورها و اسرائیل وجود داشته است. البته شرایط در قفقاز جنوبی به‌مراتب برای پیگیری رقابت‌های سیاسی و امنیتی مساعدتر و آماده‌تر از شرق دریای خزر است؛ زیرا در شرق این پهنه آبی، محدودیت‌های جغرافیایی و موانع دسترسی، امکان حضور و تحرک بازیگران فرامنطقه‌ای را با دشواری‌های بیشتری روبه‌رو می‌کند. با این حال، حتی در شرق خزر نیز اسرائیل توانسته است از راه ارائه برخی مزایا و ظرفیت‌ها، زمینه‌های همکاری با کشورهای منطقه را توسعه دهد.

برای این کشورها، اسرائیل امکانات و فرصت‌هایی را فراهم می‌کند که از دیدگاه منافع ملی آنان قابل توجه و بهره‌برداری است. بر همین اساس، مانند دیگر بازیگران نظام بین‌الملل، اولویت اصلی این کشورها تأمین منافع ملی خود است و روابط خارجی آنها نیز در همین چارچوب تعریف می‌شود. به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند مدیریت منابع آب، کشاورزی، فناوری‌های نوین و انتقال دانش فنی، اسرائیل از ظرفیت‌هایی برخوردار است که می‌تواند برای کشورهای آسیای مرکزی جذاب باشد. بسیاری از این کشورها با چالش‌های پایدار و تاریخی در حوزه آب و توسعه کشاورزی روبه‌رو هستند.

ادامه در صفحه ۶

کولایی: اینکه چرا الان باید موضوع رژیم حقوقی دریای خزر در میانه معادلات جنگ و مذاکره با آمریکا دوباره طرح شود، پاسخش اتفاقا به خود اهمیت معادلات جاری بازمی‌گردد. یعنی طرح دوباره این مسئله در شرایط کنونی، ارتباط مستقیمی با تحولات جاری در منطقه دارد؛ به‌ویژه در ارتباط با مرزهای شمالی کشور، ملاحظات روسیه در مورد حضور آمریکا و اسرائیل به‌ویژه در قفقاز جنوبی و همچنین تلاش‌هایی که ایالات متحده برای ایجاد مسیری موسوم به «مسیر ترامپ» یا «راه ترامپ» و نیز جنگ اوکراین و جنگ با ایران دنبال می‌کند

شماره: ۱۴۰۵۶۰۳۰۲۰۲۶۰۰۳۴۶۱
تاریخ: ۱۴۰۵/۰۲/۲۶

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
اداره ثبت اسناد و املاک اداره ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۶۰۲۷۰۸۴ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۰۸ هیات اول متقاضی حسین بابائی به شناسنامه شماره ۲۹ کدملی ۱۲۹۱۴۱۶۱۸۸ صادره فرزند عباس مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک باب مغازه و زمین به مساحت ۵۲/۳۸ متر مربع از پلاک شماره ۱۳۹۰۰ واقع در بخش ۵ اداره ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان مورد درخواست به موجب سند ۷۱۵۷۵ مورخ ۹۳/۳/۲۸ دفتر ۱۰۸ اصفهان به متقاضی انتقال قطعی گردیده و به نامش جریان ثبت میباشد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۲۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۱۳
شناسه آگهی: ۲۱۸۳۱۹۰

حسین زمانی علویجه – رئیس ثبت اسناد و املاک ۱۳۳۷

برگ سبز و سند کمپانی خودرو پراید جی تی ایکس نقره ای مدل ۱۳۸۸ به شماره پلاک ۲۱ایران ۶۴۵د۶۴ شماره شاسی: S1412288402543 و شماره موتور ۳۲۹۷۰۶۵ به نام **ایوب حسین زاده** با کد ملی ۱۶۷۱۱۱۱۴۰۰ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو پراید ۱۳۱ se سفید مدل ۱۳۹۶ به شماره پلاک ۳۱ایران ۴۸۸ص۸۱ شماره شاسی: NAS411100H1057236 و شماره موتور: M13598068 به نام **فرزاد حاتمی چگنی** با کد ملی ۶۱۳۰۰۱۱۱۵۶ در ۱۴۰۴/۱۲/۱۳مفقود شده و فاقد اعتبار است.